

# انقلاب اسلامی و استقلال خواهی در سپهر آرمانی و افق تمدنی

محمد جواد نوروزی

اشاره

استقلال و آزادی به عنوان دو دستاورد انقلاب اسلامی در گام نخست، می‌تواند یک ظرفیت برای پیشران تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. استقلال و آزادی را می‌شود از منظرهای مختلفی مورد بحث قرار داد. اگر در عقبه تاریخی دوپست‌ساله خود نگاه کنیم، خواهیم دریافت که از حدود اواسط قاجاریه به این طرف مقوله‌ای به نام استقلال یا آزادی در جامعه ما وجود خارجی ندارد. ناصرالدین شاه جمله‌ی معروفی دارد که می‌گوید: اگر من یک کاری را انجام دهم یا روس‌ها مخالفت می‌کنند و یا انگلیسی‌ها مخالفت می‌کنند. همین جمله نشان دهنده عمق عدم استقلال جامعه ما است.

بعد روی کار آمدن پهلوی نیز مسئله کاملاً مشخص است. او عامل مستقیم نظام استعماری است بنابراین ما چیزی به نام آزادی در عقبه تاریخی خود نداریم. اما در زمانه انقلاب اسلامی دو شعار بسیار مهم پا به عرصه می‌گذارد و آن استقلال و آزادی است. به تعبیر مقام معظم رهبری در بیانیه آن‌ها از شعارها و آرمان‌هایی هستند که علیرغم گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، هنوز به آن وفادار مانده‌ایم و روز به روز عمق بیشتری در میان ما یافته است. با پیروزی انقلاب اسلامی استقلال به مثابه یک ارزش تعمیق و استمرار یافت و به مثابه یک آرمان، فرایند رو به رشدی را در ایران طی کرده است. در افق تمدنی انقلاب اسلامی، استقلال نشأت گرفته از ارزش‌های آن، مدرنیته را طرد و در مقابل استقلال‌خواهی را در مفهومی جدید که برخوردار از سطوح متداخل است را مطرح ساخت، که لایه برتر و رشد نهایی آن در افق تمدنی به منصف ظهور می‌رسد. در گفتمان انقلاب اسلامی استقلال، ریشه در فلسفه سیاسی اسلام داشته و دارد. اقتضا و تناسب هر فلسفه سیاسی استقلال و هویت مستقلی است. در جامعه ایرانی نیز انقلاب زمانی به وقوع پیوست که نظام سیاسی حاکم در صدد بسط و سیطره فلسفه سیاسی غیراسلامی بود. بدینسان حدوث انقلاب در ایران و به طور کلی در هر جامعه‌ای نشان از بحران در فلسفه سیاسی حاکم است که رهایی از آن مقتضی ضرورت برآمدن و ظهور فلسفه سیاسی دیگر دانست.

در مقاله پیش‌رو استقلال به مثابه یک مینا موجب انقلاب شد و به عنوان یک ارزش و دستاورد بررسی شده است در این راستا ضمن بررسی مفهوم استقلال، به تاثیر انقلاب اسلامی در تحول مفهومی و سپس با توجه به آن به سطوح استقلال‌خواهی که برآمده از ارزش‌های دینی در سه ساحت ملی، جهان اسلام و عرصه جهانی است اشاره شده است.



## انقلاب اسلامی و تحول در مفهوم استقلال

گفتمان انقلاب اسلامی تحول عمیقی در مفهوم استقلال خواهی داشته است و به مثابه دستاورد انقلاب اسلامی، رهاورد تفکر و ارزش های اسلامی است. استقلال هر چند به طور مستقیم در قرآن کریم بکار نرفته است؛ اما با تأمل در واژگان مشابه می توان به این مفهوم دست یافت. تاکید قرآن بر عزت مسلمانان و جامعه اسلامی (نساء/۱۳۹)، منافقون /۸، فاطر/۱۰) نفی و مبارزه با سلطه کفار که فقها از آن به قاعده نفی سبیل یاد می کنند، (نساء/۱۴۱) طرد و نپذیرفتن سلطه و سرپرستی کافران (مائده/۵۱) عدم میل و اعتماد به کافران (هود/۱۱۳) پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان (آل عمران/۱۴۹) پیوند صمیمی نداشتن با مشرکان (آل عمران/۱۸۷) و آیات بسیاری که ضمن گوشزد نمودن دشمنی کفار و مشرکین با مسلمانان، بر حفظ مرزهای هویتی تاکید دارند، همگی بیان گر استقلال است.

افزون بر آن استقلال بر بنیان هایی از فکر و اندیشه اسلامی استوار است. خدامحوری مقتضی نفی هر گونه ربوبیت غیر الهی از آموزه مهم هستی شناسی توحیدی است که در قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته است. بازتاب این امر مبنای مهمی در گفتمان انقلاب اسلامی است که در تنظیم چگونگی مناسبات دولت اسلامی با سایر دولت ها و کاربست قانون مستقل الهی در داخل جامعه مدخلیت دارد. خدامحوری مقتضی ابعاد متنوع استقلال در جهت خودشناسی، خودکفایی و استقلال با همه ابعادش است، خدامحوری افق گسترده ای فراروی ملت گشود که در سایه آن احساس شخصیت، استقلال و طرد قدرت ها را به دنبال داشت.

اهمیت استقلال و استقلال خواهی از آن رو است که راهبردی مهم از سوی کشورهای تحت سلطه در مقابل نفوذ قدرت های سلطه گر در دو سده اخیر است. موقعیت ممتاز ایران در طول تاریخ، موجب شده این کشور در چهارراه ارتباطی تعاملات جهانی قرار داشته و همواره به دفعات مورد حمله دشمنانش قرار گیرد. اما این کشور همواره از هویت و استقلال خود دفاع کرده است. این روند پرچالش در ذهنیت تاریخی ملت ایران موجب شد در گفتمان انقلاب اسلامی استقلال و قطع وابستگی از بیگانگان، از شعارهای اصلی ملت ایران قلمداد شود و با پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اصل حاکم در سیاست خارجی قلمداد گردد.

در جمهوری اسلامی ایران، استقلال خواهی، با پیروزی انقلاب اسلامی هم پیوند است، در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران از جمله تدوین افق بیست ساله، آرمان استقلال مورد توجه قرار گرفته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۴ بار واژه استقلال بکار رفته است. در اصل سوم قانون اساسی هر گونه استعمار و وابستگی به بیگانه نفی و دولت جمهوری اسلامی موظف برای نیل به این هدف و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب همه امکانات خود را بکار گیرد. در اصل نهم نیز بر این امر تاکید شده است که هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه ای وارد کند.

گفتمان انقلاب اسلامی برداشت های ناروا از استقلال خواهی را نفی کرده است. در فرایند تحولات سال های نخست انقلاب اسلامی مفهوم استقلال دچار سوء برداشت و نارسایی مفهومی گشت. به عقیده شماری از احزاب و گروه های چپ، استقلال به رهایی از سلطه غرب و وابستگی

و یا نزدیک شدن به بلوک شرق قلمداد گردید. در نزد آنان با توجه به همینکه نظام دو قطبی تصور استقلال از هر دو بلوک پذیرفته نبود. اما گفتمان انقلاب اسلامی فارغ از معادلات جاری آن روزگار، این تلقی را ناروا و به موازات آن، الگوی نوینی از استقلال خواهی را ارائه کرد. همین امر از جمله دلایلی بود که مخالفت های جهانی در مواجهه ایران اسلامی را به دنبال داشت.

برخی دیگر با توجه به فضای سیاسی سال های نخست انقلاب اسلامی استقلال را به انزواجویی، بریدن از جهان و نداشتن ارتباط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با دیگر کشورها تفسیر می کردند. این گروه ها، متأثر از القانات نظام سلطه، با طرح شعار انزواطلبی و قطع رابطه با دولت ها و کاهش ارتباط با دنیا هر چند به حسب ظاهر شعار شکاری انقلابی را مطرح می کردند، اما واقعیت آن بود که این گروه ها در صدد ایجاد مشکل برای کشور بودند. همین امر موجب شد امام خمینی علیه السلام بر این نکته تاکید کنند که جمهوری اسلامی ایران با همه کشورها مبادلات تجاری داشته و این امر محل استقلال یک کشور نیست. روشنگری های رهبری انقلاب اسلامی مفهوم استقلال را بالعیان روشن ساخت. در این رویکرد ایده های معارض با آموزه انقلاب اسلامی طرد و گروه های وابسته به قدرت های خارجی، به تدریج تضعیف و زوال یافتند، بر این اساس در فرایند حرکت رو به رشد انقلاب اسلامی، استقلال خواهی اولا حضور فعال کشور در صحنه سیاسی جهان را پذیرفت و ثانيا بر این امر تاکید کرد که استقلال خواهی با تحکیم روابط با دولت ها و مجامع بین المللی منافات ندارد.

به موازات دیدگاه های مطرح شده از سوی گروه های سیاسی در داخل، دشمنان خارجی نیز با هدف تضعیف و مقابله با انقلاب اسلامی سعی کردند چنین وانمود کنند که استقلال خواهی به مفهوم انزواجویی و عدم تعامل با سایر دولت ها است. هدف آنان از طرح این ایده، به انزوا کشاندن کشورهای مستقل در سطح بین المللی و تشکیک در مسیر رو به رشد ملت ایران بود. اما انقلاب اسلامی بر پایه منطبق مستحکم خود و با هدف ترویج منطق عقلانی خود در پی تعامل با همه کشورهای جهان بوده است. این امر ملهم از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در صدر اسلام بود که آن حضرت، با ارسال سفیر، پرهیز از انزواجویی و قطع روابط با سایر ملت ها در گسترش اسلام کوشید. لذا رهبری انقلاب اسلامی، از همان آغاز انقلاب بر این امر تاکید کردند که اسلام نظامی اجتماعی - حکومتی است که خواهان رابطه با دیگر جوامع است. البته برقراری روابط سیاسی با چند کشور از جمله رژیم صهیونیستی از همان آغاز انقلاب، استثنا شد. امروزه در شرایط بین المللی هیچ کشوری نمی تواند بی نیاز از تعاملات جهانی باشد. و تفسیر استقلال به انزوای در جامعه جهانی و قطع ارتباط یک ملت با خارج، اتهامی بی پایه و فاقد پشتوانه علمی است. همان گونه که تصور وجود یک انسان به دور از زندگی جمعی خطا است، وجود کشوری منزوی و بریده از جامعه جهانی غیر قابل قبول، غیرممکن و امری غیرمنطقی است. نتیجه آن که استقلال فعال زمانی نمود و تظاهر عینی دارد که با وجود ارتباط و مراد به دیگران، از پیرایه های وابستگی نیز به دور باشد.

در جهان معاصر استقلال امری نسبی است. گسترش ارتباطات و وابستگی متقابل دولت ها و قدرت یابی سازمان های جهانی از حاکمیت دولت ها کاسته و به حاکمیت سازمان ها افزوده است. این واقعیت



موجب شده گروهی با درکی نادرست، تحقق استقلال را امری محال پنداشته چنین استدلال کنند که با توجه به گسترش ارتباطات، وجود جامعه‌ای که بتواند به تنهایی و با تکیه بر منابع و امکانات داخلی خود، مستقل زندگی کند ممکن نیست. اساس این استدلال بر این فرض مبتنی است که در دنیای امروز هیچ کشوری بدون پذیرش سلطه قدرت‌ها نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

از جمله تحولات دیگر مفهومی در مفهوم استقلال که امروزه در مغرب زمین مطرح شده است، شکل‌گیری استقلال بر مدار و محوریت قومیت است نظیر آن چه امروزه در اسکانلند در قلب اروپا و یا کاتالونیا در اسپانیا در جریان است. تجزیه‌طلبان کاتالونیا بنا به دلایل اقتصادی مبادرت به اعلام استقلال نمودند و با برگزاری همه‌پرسی به استقلال و جدایی‌طلبی رأی دادند. دولت اسپانیا ضمن اعلام عدم رضایت، این همه‌پرسی را غیرقانونی اعلام نمود. همه‌پرسی استقلال از سوی اقلیم کردستان عراق نیز استقلال قومیتی است که در نگاه برخی تحلیلگران ابزاری در دست بارزانی بود تا از این طریق، با تحریک تمایلات استقلال‌طلبانه کردهای اقلیم، مشکلات و اختلافات داخلی خود را تحت الشعاع قرار دهد.

استقلال به عنوان یک ارزش بازتاب تفسیر و تلقی ما از فلسفه سیاسی است. عینیت یافتن فلسفه سیاسی در هر جامعه، نشان‌گر استقلال در ساحت فرهنگ و نظام فکر و اندیشه است. استقلال به عنوان یک ارزش بازتاب تفسیر و تلقی ما از فلسفه سیاسی است. عینیت یافتن فلسفه سیاسی در هر جامعه، نشان‌گر استقلال در ساحت فرهنگ و نظام فکر و اندیشه است. انقلاب اسلامی تحولی اساسی در موضوع استقلال را به همراه داشت. این انقلاب معنا و مفهوم استقلال را دگرگون ساخت. استقلال بر اساس مفهوم رایج که پیش از این یادآور شدیم از سوی ژان بدن در قرن شانزدهم و متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی آن روزگار ارائه گردید. اگر در اندیشه توحیدی هدف از حاکمیت و استقلال حرکت بر مدار ارزش‌های فطری انسان است، در اندیشه غربی استقلال بر پایه سکولاریزاسیون و ارزش‌های مدرنیته تکیه دارد. استقلال بر مدار ارزش توحیدی که با فطرت انسانی سازوار است، هیچگاه دارای بن‌بست نیست و هدفش شکوفایی ارزش‌های انسانی و فطری و در نهایت حاکمیت ارزش‌های الهی بر سرتاسر گیتی است.

استقلال در نگرش اندیشه سکولار بر مدار ناسیونالیسم و جغرافیا است اما بر مبنای اندیشه اسلامی استقلال بر مدار امت و در نهایت افق تمدنی و تحقق گستره توحید در عرصه جهانی است. از جمله تحولات پس از رنسانس، شکل‌گیری دولت‌های ملی بر مدار ناسیونالیسم و مرزهای جغرافیایی بود با شکل‌گیری دولت مدرن مساله حاکمیت ملی که مظهر آن استقلال بود از سوی ژان بدن فرانسوی ارائه شد و بعدها ظهور انقلاب فرانسه بدان عینیت بخشید و آن را تثبیت کرد. انقلاب اسلامی استقلال‌خواهی بر مدار مرز جغرافیایی را که میراث قرارداد وستفاليا در ۱۶۴۸ بود را با چالش اساسی مواجه ساخته است و استقلال بر مدار عقیده و باور را جایگزین آن ساخت. البته از منظر فقهای شیعه تحقق عینی این مهم همواره دایره مدار تمکن و قدرت بوده است و همین امر موجب شکل‌گیری لایه‌های سه گانه

استقلال با محوریت ملی، امت و جهانی شده است. یک عامل اساسی دیگری که موجب شده است استقلال دارای مراتب تشکیکی دیده شود ناشی از رویکرد فقه اسلامی به مراتب تحقق احکام و ارزش‌های اسلامی است همین امر موجب شده متناسب با قدرت، تمکن و توانایی تحقق استقلال در عینیت جامعه دیده شود. پیامد این نگرش به استقلال موجب می‌شود این مفهوم لایه‌ای و دارای سطوح مختلف دیده شود. بدینسان انقلاب اسلامی نقطه آغازین و عامل اساسی گذار در مفهوم استقلال از مرز جغرافیایی و اندیشه سکولار به مبنای فکری و معنوی بود. زیرا از دولت‌های اسلامی در صدر اسلام که بگذریم کمتر فرصتی تا به امروز مهیا شد تا فقه ظرفیت خود را بروز دهد. یعنی هیچگاه اندیشه اسلامی فرصت نیافته بود تا ظرفیت خود را در عینیت خارجی محقق سازد و پیش از این همواره در قالب دولت در دولت و یا از باب دفع افسد به فاسد کوشیده بود از کیان تشیع و منافع مردم مسلمان دفاع نماید. آن چه ذکر آن رفت را می‌توان در آثار علمی فقهای شیعه از جمله شیخ مفید از فقیهان آغاز عصر غیبت مشاهده کرد این فقیه در فرایند تحقق عینی ولایت فقیه بر این دعوی تأکید داشت که فقیه به عنوان نایب امام معصوم در عصر غیبت، متعهد به تحقق آموزه‌های دینی به میزان قدرت است. طبق این دیدگاه، اجرای حدود دینی در خاندان و قبیله نخستین مرحله تحقق ولایت فقیه و استقلال خواهی است که در جهت تحقق دین و عدم دنباله روی حاکم جور است، بر شمرده و پس از آن می‌توان از تحقق نظریه در قالب استان، دولت ملی، امت و جهان یاد کرد.

بنا به اقتضای فقه اسلامی، انقلاب اسلامی بر پایه ارزش‌های دینی خود هیچگاه به مرز جغرافیایی بسنده نکرده و نخواهد کرد و بنا به ظرفیت ایده استقلال که بر مدار ارزش‌های اسلامی دارای سطوحی است از همان آغاز شعار صدور انقلاب را سر داد و برای تحقق آن در مقابل دو اردوگاه شرق و غرب آن روز، افق جدیدی را رونمایی کرد و در راستای تحقق آن به رغم مشکلات فراوان ایستادگی کرد و حاضر نشد برای حل مشکلات خود در جنگ تحمیلی موقتاً هم که شده دست از حمایت ملت مظلوم افغانستان بکشد.

استقلال بر محوریت باور و عقیده انفعال رویکرد استقلال بر مدار ناسیونالیسم و جغرافیا را در پی داشته است. نمونه این انفعال را در پاسخ به اقدام انقلابی و فعالانه حضور امام خمینی علیه السلام در حکم قتل سلمان رشدی می‌توان مشاهده کرد. همین امر موجب شده تا تلاش‌های زیادی از سوی دشمنان برای انحراف در شعارهای انقلاب و مسیر انقلاب ایجاد شده است. نتیجه آن که استقلال در نگاه انقلاب اسلامی بر مدار ارزش‌های اسلامی و انسانی دارای سه سطح است. مدار استقلال تنها جغرافیا نیست بلکه خطاب قرآن عموم بشر است و معیار گروه‌بندی‌های سیاسی باور و عقیده است مخاطب انقلاب اسلامی نیز با الهام از آموزه‌های اسلامی در اولویت نخست مسلمانان هستند و مستضعفین در مقابل سلطه‌جویان در اولویت دوم است. از این رو وصیت نامه امام خمینی علیه السلام تنها خطاب به ملت ایران نبود بلکه توصیه‌ای به جامعه اسلامی و بلکه مظلومان عالم در هر ملت و مذهبی بود.

**نگاه تاریخی به استقلال طلبی ملت ایران**





ظهور صفویه نخستین اقدام در فرایند استقلال طلبی ملت ایران در مقابل قومیت‌ها و دست‌اندازی‌های غیر بود. پس از آن انقلاب اسلامی مهم‌ترین عرصه استقلال‌خواهی مردم، به رهبری مراجع تقلید بود. استقلال‌خواهی مهم‌ترین رهاوردی نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی در سطح ملی بود. این انقلاب، کشور ایران را که در عصر پهلوی وابسته به غرب و اجانب بود را به استقلال رساند. شدت وابستگی رژیم پهلوی به حدی بود که از منظر سیاستمداران غربی این کشور گویی یکی از ایالت‌های آمریکا به‌شمار می‌رفت. سیاست‌های رژیم همگی در راستای حفظ منافع غرب بود. نیم‌قرن سلطه پهلوی همراه با استعمار خارجی هویت ملی کشور را در معرض فروپاشی قرار داد. دولت آمریکا قانون کاپیتولاسیون را تحمیل کرد و همین امر نقطه آغاز انقلاب اسلامی بود که نشان می‌داد ملت ایران در مساله استقلال‌خواهی و حاکمیت بر سرنویشت خود حساس است.

#### ابعاد استقلال‌خواهی در ساخت ملی

جوامع در سرزمین‌های مشخص و مرزهای جغرافیایی مبنای استقلال خود را بر پایه قرارداد وستفاليا سامان داده‌اند. طبق این آموزه، این دولت‌ها بر مبنای چهار مولفه جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت شکل گرفته‌اند و استقلال در چارچوب جغرافیا و ناسیونالیسم تعریف شده است. اما استقلال بر مدار جغرافیا در گفتمان انقلاب اسلامی نخستین سطح استقلال و اولویت نخست استقلال‌خواهی به‌شمار می‌رود. از این رو حفظ استقلال و منافع ملی بر هر امری مقدم است. شعار نه شرقی نه غربی در زمانی که کشورها به یکی از دو بلوک قدرت وابسته بودند مهم‌ترین گام در استقلال‌خواهی بر مدار ملیت‌خواهی و حفظ مرزهای جغرافیایی است.

به رغم اهمیت استقلال با محوریت جغرافیا، مرکز ثقل استقلال‌خواهی در انقلاب اسلامی تأکید بر عنصر فرهنگ بود همین امر موجب شده است که از منظر امام خمینی<sup>ع</sup> فرهنگ مبدا خوشبختی و بدبختی‌ها قلمداد شود. به این معنا که بدترین نوع وابستگی‌ها، وابستگی فرهنگی است. امام خمینی<sup>ع</sup> معتقد بودند تا استقلال فرهنگی برای ملتی حاصل نشود استقلال در سایر ابعاد بدست نمی‌آید. استقلال‌خواهی در ساخت ملی را می‌توان در سه محور اساسی بررسی کرد:

#### ۱. استقلال در ساخت فکر و اندیشه

انقلاب اسلامی در ساخت فکر، چارچوبی از فلسفه سیاسی متناسب با نیازهای جامعه ایرانی و مستقل از ایدئولوژی‌های معاصر را ارائه کرد. خلق یک شناسایی

سیاسی مشترک و تکوین هویتی بر مدار ارزش‌های اسلامی، مرز میان خود و غیر خود را به روشنی تعریف کرد. هویت و ارزش‌های دینی نگرش‌هایی را نسبت به فرصت‌هایی برای تحقق بخشیدن به جامعه‌ای دیگرگون ایجاد می‌کنند. استقلال در عرصه قانون‌گذاری به دنبال تبدیل ارزش‌های اخلاقی به خط‌مشی‌های حکومتی بود. تفاوت قوانین اسلامی با سایر قوانین اساسی آن است که اسلام در صدد است پیروان خود را در دنیا به صلاح و فلاح برساند. در حالی که هدف سایر قوانین این است که مردم به خواست‌ها و اراده‌های نفسانی برساند.

نظام سیاسی با محوریت استقلال دارای کارکرد ایجابی و سلبی و تعیین‌کننده مرزهای هویتی است. سوره «قل یا ایها الکافرون» مرزبندی را بیان می‌کند. طبق آیه قرآن کریم، لا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، و لا اَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا عَبَدْتُمْ؛ این مرزها بایستی روشن و مشخص باشد، کسانی که سعی می‌کنند این مرز را اعم از مرزهای دینی و عقیدتی، یا سیاسی را کمرنگ یا محو کنند خادم مردم و کشور نیستند.

نظام سیاسی برای حفظ استقلال و ثبات نظام سیاسی ارزش‌های دینی را به اعضای جامعه منتقل می‌کند و مدعی آن است که نظام موجود برتر از هر نظام سیاسی دیگری ارزش‌های اخلاقی را محترم می‌شمارد نیکسون مدعی است که: انقلاب ایران در ظاهر جنبه‌ی ضداستبدادی داشت اما در واقع انقلابی علیه نوگرایی و

#### اهمیت استقلال و

استقلال خواهی از آن رو

است که راهبردی مهم از

سوی کشورهای تحت سلطه

در مقابل نفوذ قدرت‌های

سلطه‌گر در دو سده اخیر

است. موقعیت ممتاز ایران در

طول تاریخ، موجب شده این

کشور در چهارراه ارتباطی

تعاملات جهانی قرار داشته و

همواره به دفعات مورد حمله

دشمنانش قرار گیرد.





ارزش‌های غربی بود. این انقلاب همان قدر که از سرمایه‌داری تفر داشت، از کمونیسم نیز متنفر بود و هر دو را مانند دو روی یک سکه‌ی مادی‌گرایی می‌دید. حمایت جوانان از این انقلاب نه برای آزادی، شغل، مسکن، لباس بهتر، بلکه برای آن بود که می‌خواستند به چیزی غیر از مادی‌گرایی معتقد باشند.

درون‌مایه استقلال در ساحت فکر و اندیشه مشروعیت است که عامل همبستگی افراد یک جامعه است و «در هر نظام سیاسی ضرورت حفظ ارزش‌های فرهنگی افراد و حتی پاک‌سازی جامعه از دشمنان آن ارزش‌ها، یک زمینه‌ی اصلی در نظام‌های سیاسی معاصر به‌شمار می‌رود. چالش در مرزهای مشروعیت باعث تضعیف و کاهش جاذبه‌های فرهنگی آن ملت می‌شود. معمولاً با استقرار نظام، دشمن با ارائه نظام سیاسی با ساختار التقاطی الگوی مدینه غیردینی و ضاله را ترسیم می‌کنند. آنان با تشکیک در مبانی ایدئولوژیک نظام سیاسی تأکید بر عنصر تساهل، تسامح و پلورالیسم، می‌کوشند محتوا و سیرت انقلاب اسلامی را تغییر دهند. و انقلاب را از مضمون اسلامی و روح انقلابی تهی سازند.

تهاجم فرهنگی و تخطئه احکام الهی از طریق ارتداد روشی است که دشمنان برای تخریب هویت مستقل و روحیه مومنان از آن بهره می‌گیرند. دشمن با بهره‌گیری از این شیوه می‌کوشد تا تردید و دودلی در جامعه ایجاد کند. از این‌رو آنان گاه با ابزار ایمان و همدلی و همراهی ظاهری با مسئولان و مردم، و سپس اظهار کفر و بی‌ایمانی نسبت به آن بذر تردید نسبت به آموزه‌های دینی، و ارزش‌ها را در دل مردم جای می‌دهند.

برترین شاخص‌های استقلال‌خواهی در ساحت باور را می‌توان در استقلال انقلاب اسلامی در فلسفه سیاسی و نفی ایدئولوژی‌های غربی، حفظ هویت ملی، حفظ اصالت‌های انقلاب اسلامی، خودشناسی و اتکای به خود در برابر از خودبیگانگی و غربزدگی دانست و به تعبیر

امام خمینی ره راه دستیابی به استقلال اصلاح غرب‌زدگی در فکر است.

## ۲. استقلال در ساحت ساختار و نظام‌سازی

انقلاب اسلامی در ساحت ساختار و نظام‌سازی الگویی مستقل از حاکمیت موسوم به جمهوری اسلامی ایران را ارائه کرد و کوشید بنیان فکری انقلاب را متناسب با الگوهای رایج که قابل فهم برای بشر معاصر است، عرضه کند. بداعت این الگوی حکومتی که استقلال ارزش ذاتی آن قلمداد می‌شد، طرد الگوهای رایج در دانش سیاسی را در پی داشت. انقلاب اسلامی در سطح ملی نظام سیاسی فاسد و وابسته به غرب را طرد کرد و نظامی بر پایه حکومت و رهبرانی مستقل با اندیشه‌ای برگرفته از اسلام و قرآن تبدیل کرد. نهادینه‌سازی و نظام‌سازی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران که تا پیروزی انقلاب اسلامی مسبوق به سابقه نبود طراحی الگویی مستقل برای حکومت و شکل‌گیری نهادهای بدیع در جهت حفظ ارزش‌های انقلاب و استقلال در قانون اساسی و اسناد بالادستی نتیجه رویکرد مستقل و نفی الگوهای غربی بود.

بر مبنای استقلال که آرمان انقلاب اسلامی بود، نظام اسلامی تأسیس شد نظام اسلامی که نه شرقی، نه غربی و نه سوسیالیستی و نه لیبرالیستی، بلکه اسلامی بود. اسلامیت این نظام بر خلاف کشورهای که نام جمهوری اسلامی را یدک می‌کشند را می‌توان در قانون اساسی که حاوی یک سری حکماتی است که تعیین‌کننده اسلامی بودن نظام است مشاهده کرد. تأسیس نظام اسلامی بدان معنا بود که در صدد تحقق خواست مردم برای تشکیل حکومت اسلامی بود که این امر در سال ۱۳۵۸ اتفاق افتاد و مردم با انتخاب خود نشان دادند که اسلام می‌تواند الگویی متفاوت از آنچه را غرب و شرق به‌دنبال آن هستند محقق کند. در قانون اساسی به این نکته تصریح شده که تمامی قوانین نباید با اسلام مخالف باشد و اسلام حاکم بر تمام اصول دیگر است. این امر نشان‌گر هویت مستقل نظام اسلامی است.

## ۳. در ساحت رفتار و کنش

استقلال از طریق گفتمان‌سازی و تعیین مطلوبیت برخی اهداف سیاسی و تعیین میزان دستیابی به آن‌ها در رفتار تأثیرگذار هستند. تأکید بر عاشورا و ظهور و بروز تحولات انقلابی در مناسبت‌های مذهبی، اختصاص یافتن روزهایی نظیر سیزده آبان و ۱۶ آذر به مناسبت روزهای تبری جستن و ترسیم مرز خود و دیگری بر اساس معیارهایی متمایز از ارزش‌های حاکم بر جهان معاصر که تداعی‌کننده استکبار ستیزی و استقلال‌خواهی مردم ایران است همه نشان‌دهنده استقلال‌خواهی، عدالت‌جویی و آزادی‌طلبی مردم مسلمان ایران و در مقابل نماد و سند استکبار ستیزی است.

استقلال‌خواهی در انقلاب اسلامی، معیارها و ارزش‌های غربی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نفی می‌کند. در حالی که حکومت استبدادی پیشین بر «استحاله فرهنگی» پایه‌ریزی شده بود و تحقق آن، در سیطره ارزش‌های غربی برنامه‌ریزی شده بود تا هویت اسلامی- ملی به فراموشی سپرده شود، انقلاب اسلامی با تعمیق خودباوری فرهنگی زمینه تقویت پایه‌های ایمانی مردم و نسل‌های خودباور را فراهم نمود افزون بر این، انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن نگرش زن مسلمان نسبت به خود و محیط پیرامون





خوبش، او را به بازیابی جایگاه و نقش واقعی زن ایرانی در خانواده و جامعه فراخواند.

انقلاب اسلامی از طریق تعمیم آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه استحکام درونی ایجاد کرد، نهضت مدرسه‌سازی رشد شتابنده‌ای یافت؛ نهضت سوادآموزی در باسواد کردن میلیون‌ها نفر که از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند، موفقیت چشم‌گیری داشت و جهان هر ساله شاهد پیروزی‌های نخبگان ایرانی در رشته‌های مختلف در سطوح جهانی است. ایجاد روحیه خودباوری از دیگر نتایج استقلال‌جویی پس از انقلاب بود، خودباوری و خوداتکایی به‌گونه‌ای آشکار در بین آحاد بی‌شک مهم‌ترین دستاورد اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در سطح داخلی به‌شمار می‌رود. تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی روح تازه‌ای یافتند. به موازات اقدام در جهت تعمیق استقلال‌خواهی که نفی الگوهای غربی را به دنبال داشته و دارد دشمن با جنگ نرم و در جهت تغییر باور در سطح ملی و تغییر سبک زندگی سعی در تغییر ذائقه مردم دارد و راهبرد مقابله با آن و صیانت از استقلال‌خواهی در تمامی زمینه‌ها است.

انقلاب اسلامی در حوزه رفتار و الگوسازی سبک زندگی ضمن ارزش قلمداد کردن و تحلیل کانونی استقلال فرهنگی، کوشیده است در تمامی مراحل استقلال‌خواهی را عینیت بخشد. استقلال در شیوه مبارزه علیه رژیم، استقلال در مشی مستقل رهبری، ارائه شعار نه شرفی نه غربی و بر هم زدن معادله دوقطبی حاکم بر جهان، تاکید بر استحکام درونی و تولید داخلی و اتکای به درون اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری بر پایه معیارهای اسلامی و حفظ تمامیت ارضی، حفظ استقلال ملی و منافع ارضی کشور از هر گونه دخالت بیگانه و حفظ قلمرو جغرافیایی یک کشور شاخص‌های مهم استقلال در حوزه کنش و رفتار است. در هر جامعه این شاخص تبدیل به قانون و رویه شده و شرط اساسی استقلال کشور در قلمرو یا سرزمین، که در چارچوب صلاحیت کشور استقلال آن است که همه افرادی که در قلمرو مشخص زندگی می‌کنند، تابع قوانین و مقررات کشور باشند.

#### ۴. انقلاب اسلامی و استقلال در مدار امت اسلامی

استقلال بر مدار امت دومین سطح در ترسیم افق تمدنی انقلاب اسلامی است. وحدت امت اسلامی و دفاع از کیان آن در مقابل دولت‌های متجاوز و مستکبر اولویت مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در عرصه منطقه‌ای انقلاب اسلامی با طرح ایده صدور انقلاب اسلامی منادی هویت‌یابی جامعه اسلامی در گستره دارالاسلام در مقابل کفر استیلاجو شد که طی دو سده گذشته در تعارض با آموزه استقلال، کشورهای

اسلامی را آماج سلطه‌گری خود قرار داده‌اند. در طول قرون متمادی پیشرفت اسلام، مرهون تماس و ارتباط با دیگر کشورها بوده است. بر این اساس استقلال یکی از ارکان دولت اسلامی است که در مقابل دول غیراسلامی مطرح است.

۱. در ساحت فکر و اندیشه، انقلاب اسلامی چارچوبی از فلسفه سیاسی متناسب با نیازهای جهان اسلام و مستقل از ایدئولوژی‌های معاصر ارائه کرده است

۲. در ساحت ساختار و نظام‌سازی، نیز انقلاب اسلامی الگویی مستقل از حاکمیت سیاسی، موسوم به جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده است. بداعت این الگوی حکومتی طرد الگوهای رایج در ساحت مبنای مشروعیت، نظام‌سازی و الگوی رفتاری در قیاس با دیگر الگوهای رایج بود. طبعاً این الگو بیان‌گر آن است که می‌توان با تنوع و ظرفیت‌های جهان اسلام این الگو را به تناسب این جوامع در قالب مردم‌سالاری دینی عرضه کرد

۳. در ساحت رفتار و کنش؛ انقلاب اسلامی بر وحدت جهان اسلام تاکید دارد. اولویت یافتن سیاست خارجی در تعامل با کشورهای اسلامی و قلمداد شدن مساله فلسطین به مساله کانونی امت اسلامی که در تعارض با غیر(دشمن) قرار دارد، در این راستا قابل ارزیابی است. تاکید بر مشترکات، پرهیز از مسائل اختلاف‌برانگیز، تاکید بر ایجاد پیوند و ارتباط میان شیعه و اهل سنت و ساماندهی آن دو در قالب نیرویی واحد در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر تاکید بر بیداری اسلامی با صدور ارزش‌های انقلاب و ارائه چهره واقعی از اسلام، از جمله



بنا به اقتضای فقه اسلامی، انقلاب اسلامی بر پایه ارزش‌های دینی

خود هیچگاه به مرز جغرافیایی

بسنده نکرده و نخواهد کرد و بنا

به ظرفیت ایده استقلال که بر

مدار ارزش‌های اسلامی دارای

سطوحی است از همان آغاز شعار

صدور انقلاب را سر داد و برای

تحقق آن در مقابل دو اردوگاه

شرق و غرب آن روز، افق

جدیدی را رونمایی کرد و در

راستای تحقق آن به رغم مشکلات

فراوان ایستادگی کرد و حاضر

نشد برای حل مشکلات خود در

جنگ تحمیلی موقتا هم که شده

دست از حمایت ملت مظلوم

افغانستان بکشد.







مثابه ارزشی جهانی قلمداد می‌کند که ذوجوه است. براساس وجود فطرت الهی در انسان، افراد غیرمسلمان هم به دنبال استقلال هستند و از وابستگی و زیر سلطه‌ی دیگران بودن پرهیز می‌کنند. به همین جهت، براساس اسلام و فطرت الهی مردم، مقوله استقلال بحث بسیار مهم و محوری در انقلاب اسلامی بوده است. در حوزه رفتار استقلال خواهی منجر به طرد الگوی رفتاری نشأت گرفته از مدرنیته و ارزش‌های آن که با ارزش‌های فطری منافات دارد می‌شود. در مقابل ارزش‌ها و الگوهای از رفتار مورد تاکید قرار گرفته شده، که ناشی از ارزش‌های انسانی، عقلانی بشریت است. بر این اساس استقلال خواهی در انقلاب اسلامی هیچگاه منجر به نظام‌واره‌ای از فکر، ساختار و رفتار در مدار استقلال ناسیونالیستی و یا تصلب بر ارزش‌ها محدود نشده است. بلکه استقلال در گستره جهانی با نظام ارزشی و در سطح انتزاعی که حاکی از اصول مشترک میان ابناء بشر است مورد توجه قرار می‌گیرد. ارزش‌هایی عام، فطری و انسانی که در چالش با ارزش‌های نظام سلطه است و بر اساس عدالت و کرامت انسان است.

### الزامات استقلال خواهی در افق تمدنی

الزامات استقلال خواهی در افق تمدنی را می‌توان در محورهای زیر برشمرد:

#### ۱. طرح افق تمدن نوین اسلامی

تشکیل جامعه اسلامی در روند سیر تکاملی انقلاب اسلامی یکی از منازل و مراحل گذار در جهت تمدن نوین و طرح استقلال در عرصه جهانی است. جامعه اسلامی غایتی تمدنی را دنبال و جامعه‌ای است که بشر را از حیث مادی و معنوی به سعادت می‌رساند. مسئله تمدن‌سازی به مثابه هدف کلان اسلام ناب با وقوع انقلاب اسلامی به چشم‌انداز اصلی تبدیل شد. این چشم‌انداز کلان و اصیل مستلزم آن است تا تمامی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در راستای آن تدوین شود. تمدن در نگاه توحیدی از «فرهنگ» آغاز و در یک چرخه بدان ختم می‌شود. به بیان دیگر غایت زندگی انسان در این تفکر، «اقتصاد» نیست، بلکه فرهنگ و معنویت بوده و هست؛ و اقتصاد در خدمت فرهنگ قرار می‌گیرد؛ فرهنگی که مایه تعالی بشر بوده و اهداف آفرینش را تأمین کند. فرهنگ اساس هویت و معنای انسان را شکل می‌دهد و ریشه در اعتقادات و اخلاقیات دارد. که اساس هویت آدمی را شکل می‌دهد. استقلال خواهی در عرصه جهانی دارای بعد سلبی و ایجابی است در بعد ایجابی تمدن اسلامی با درون‌مایه فرهنگ که متمایز از تمدن مادی غرب است شکل می‌گیرد در بعد سلبی استقلال خواهی، تمدن غربی را که از تنازع و داوینیسیم اجتماعی شروع و آن را نهادینه ساخته است و به رونق اقتصادی و تمتع مادی بشر ختم می‌شود نفی می‌کند و معتقد است چنین رویکردی به ساحت زندگی بشریت را به بن‌بست می‌رساند. بر این اساس، اعتقاد بر آن است که در تمدن توحیدی، اجتماع نه برای تنازع، که بر اساس تعاون و با هدف تعبد و تقرب شکل می‌گیرد و انقلاب اسلامی با هدف تحقق جامعه اسلامی که زمینه‌ساز ظهور است نشان داده است که در عصر غیبت می‌توان با رهبری فردی غیرمعصوم اما متکی به تعالیم اسلام که همان ولایت فقیه است تمدنی برتر از تمدن‌های بشری و مادی غرب پی‌ریزی کرد.

شاخص‌های استقلال خواهی در ساحت امت به‌شمار می‌رود. اگر مرز هویتی در دین اسلام عقیده و مرز استقلال خواهی بر مدار امت تعریف گردد، آن گاه طرح مسئله صدور انقلاب و ضرورت تبلیغ اسلام از سوی سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران موجه قلمداد می‌شود.

وحدت، پیش‌نیاز تمدن نوین اسلامی است. اسلام سیاسی گفتمانی رایج در جامعه است که با پیروزی انقلاب اسلامی، بر دیگر گفتمان‌ها مثل گفتمان چپ که تلفیقی از مارکسیسم، لنینیسم و ماتویسیسم بود و گفتمان لیبرال غلبه یافت و به تعمیق انقلاب اسلامی منجر شد. این گفتمان برای پویایی نیازمند بازسازی، مفهوم‌سازی، ابداع و نوآوری است در غیر این صورت، در رقابت با رقیبی که از این خصلت برخوردار است، از بین می‌رود. طرح آموزه تمدن نوین اسلامی افق برتر حکومت اسلامی است که در چالش با مدنیت غربی طرح شده است

بر خلاف تمدن غرب، که ماده‌گرا، لذت‌پایه و سودمحور است، انقلاب اسلامی به دنبال تمدنی اخلاق‌محور و فضیلت‌محور است. گفتمان انقلاب اسلامی طرد ادعای غرب است که مدعی است تنها تمدن انسان‌محور و ماده‌محور می‌تواند بشر را اداره کند. انقلاب اسلامی ضمن چالش با غرب به لحاظ معنایی در عین حال، از دستاوردهای تمدنی آن استفاده کند.

#### ۵. انقلاب اسلامی و استقلال در سطح جهانی

انقلاب اسلامی با بازتولید اندیشه اسلامی ظرفیت‌هایی را ایجاد کرده که مدار استقلال را در افق جهانی تعریف کرده است این امر در قانون اساسی و اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس است از جمله این که انقلاب اسلامی سودای سعادت انسان در کل جامعه بشری را مد نظر دارد. بر این اساس هرچند منافع ملی خود را تعقیب می‌کند اما آن را از دریچه تنگ مادیت و انحصارجویی نمی‌بیند استقلال بر مدار ارزش‌های انسانی؛ دعوت مستضعفان مبنی به استیفای حقوق خود، بیان‌گر ظرفیت اسلام در ایجاد مدنیتی بر پایه استقلال بر مدار فطرت است. تاکید بر آموزه‌های فوق موجب شده تا انقلاب اسلامی با طرح ایده صدور انقلاب اسلامی، مفهوم رایج استقلال را طرد و آن را در افق امت و جهانی مطرح کند. انقلاب اسلامی استقلال را به





## ۲. علوم انسانی اسلامی

گام نهادن در جهت استقلال خواهی در افق جهانی اقتضا می‌کند علوم انسانی مستقل از آن چه امروزه تحت علوم انسانی رایج است تولید گردد. علوم انسانی موجود در جامعه اسلامی از کارایی لازم برخوردار نیست. تاثیرپذیری شدید علوم انسانی از باورها و ارزش‌ها، هم در عرصه گردآوری و هم در عرصه دآوری، مقتضی آن است که این علوم در راستای باورها و ارزش‌های اصیل، حقیقی، معقول و صحیح، که همان باورها و ارزش‌های اسلامی است، سوق یابند. (شریفی، ۱۳۹۳، ص: ۲۸۰-۲۴۰)

به تعبیر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: علوم انسانی روح دانش است. همه دانش‌ها، و تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت دهنده انسان‌ها است و مشخص می‌کند که جامعه به کدام طرف قدم برمی‌دارد. علوم انسانی وقتی منحرف شود و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های نادرست استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه‌ی تلاش‌های جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود. علوم انسانی نقشه‌ی راه را در سایر حوزه‌های علمی نیز ترسیم می‌کنند. این که اهداف پیشرفت‌های فیزیکی، نظامی، فضایی، شیمیایی و امثال آن چیست و چه باید باشد، همگی وابسته به علوم انسانی است. علوم انسانی سکولار، اهداف و مقاصد سکولار را ترسیم خواهد کرد و بالتبع علوم انسانی اسلامی در خدمت تحقق اهداف و مقاصد اسلامی خواهد بود. علوم انسانی موجود، متناسب با فکر و فرهنگ انسان غربی سکولار تولید شده است. به دنبال تأمین نیازهای این جهانی انسان غربی هستند.

## ۳. استقلال در سبک زندگی

سبک زندگی نشان‌گر تجلی فرهنگ در متن زندگی است و اسلام به مثابه یک نظام‌های فکری برای ماندگاری خود نیازمند سبک زندگی مشخص است. تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی مستلزم سبک زندگی و میزان حضور ارزش‌های اسلام در رفتارها است. استقلال در حوزه‌ی تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به افق تمدن نوین اسلامی است. سبک زندگی ریشه در معنای زندگی داشته و وقوع هر نوع سبک زندگی از جمله سبک زندگی اسلامی، نیازمند شکل‌گیری معنای زندگی متناسب به عنوان پایه و بنیاد آن است. از دید مقام معظم رهبری یکی از ابعاد

پیشرفت با مفهوم اسلامی سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، و شیوه‌ی زیستن است. ایشان سبک زندگی را بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی برمی‌شمرند و معتقدند: «تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید... بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. ۴. استقلال در حوزه‌ی رسانه

پیام رهبری انقلاب به جوانان آمریکا و اروپا؛ و دعوت آنان به تأمل و این که چهره واقعی اسلام را فارغ از تبلیغات رسانه‌ای غرب بشناسند خود نشان دهنده تأکید بر ابعاد جهانی اسلام و تدوین سند استقلال خواهی بر مدار ارزش‌های فطری و انسانی است. مقام معظم رهبری با دعوت جوانان به مطالعه اسلام اصیل از آنان می‌خواهد تا اطلاعات مربوط به اسلام را از منابع اصلی و اولیه آن دریافت کنند. (مقام معظم رهبری، بیست و یکم ژانویه دو هزار و پانزده) دعوت رهبری مبنی بر گرفتن اسلام از منابع دست اول نشان می‌دهد که پیام روشن انقلاب اسلامی دعوت به فطرت است و این که انقلاب اسلامی دعوت به نفس نمی‌کند. یعنی اسلام را آن‌گونه که هست بی‌کم و کاست به طور مستقل از تبلیغات رسانه‌ای غرب بشناسند. نامه رهبری مرزها را در نور دیده و همچون نامه حضرت امام به گورباچف مخاطبان خود را به آزادی فرا می‌خواند.

منابع و مأخذ در دفتر نشریه موجود می‌باشد.



استقلال خواهی در انقلاب اسلامی، معیارها و ارزش‌های غربی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نفی می‌کند. در حالی که حکومت استبدادی پیشین بر «استحاله فرهنگی» پایه‌ریزی شده بود و تحقق آن، در سیطره ارزش‌های غربی بر نامه‌ریزی شده بود تا هویت اسلامی- ملی به فراموشی سپرده شود، انقلاب اسلامی با تعمیق خودباوری فرهنگی زمینه تقویت پایه‌های ایمانی مردم و نسل‌های خودباور را فراهم نمود افزون بر این، انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن نگرش زن مسلمان نسبت به خود و محیط پیرامون خویش، او را به بازیابی جایگاه و نقش واقعی زن ایرانی در خانواده و جامعه فراخواند.